


نوع مقاله: ترویجی

## تبرج از منظر قرآن و اسلام و راه‌کارهایی تربیتی جهت مقابله و کنترل آن

mohammadrezashakiba9@gmail.com

najafi.md@gmail.com

 orcid.org/0009-0000-6321-8988

محمد رضا شکیبا / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

محمد نجفی / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

### چکیده

تبرج از نمادها و شاخصه‌های جاهلیت اولی یا پیش از اسلام است که امروزه در دنیای مدرن از نمادها و نمایندگان اصلی جاهلیت جدید به‌شمار می‌آید. قرآن کریم در آیاتی به این معضل اجتماعی و حرمت آن اشاره کرده است. با توجه به رشد سریع و همه‌جانبه معضل تبرج در میان جوانان و عدم بصیرت و آگاهی طیف وسیعی از آنان در این باب، لازم می‌آید اقدامات بیشتری جهت مقابله و مبارزه با این آفت اجتماعی توسط مدارس و سایر دستگاه‌های تربیتی انجام پذیرد؛ چراکه یقیناً پس از خانواده مهم‌ترین نهاد شکل‌گیری شخصیت افراد، مدرسه است. هدف این پژوهش، بررسی معضل اجتماعی تبرج از دیدگاه قرآن و اسلام و تحلیل و شناسایی نقش مدارس و سیستم تربیتی در هدایت و کنترل این معضل اجتماعی است. دستاورد این تحقیق بیان می‌دارد که مدارس باید بیش از پیش به نقش‌های تربیتی خود در تمامی زمینه‌ها بخصوص حجاب و عفاف بپردازند. متأسفانه شاهدیم که برخی از مدارس تنها به جنبه‌های آموزشی می‌پردازند و اولویت تعلیم و آموزش را بر تربیت مقدم ساخته‌اند. این مطالعه با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: تبرج، آراستگی، جاهلیت مدرن، قرآن، اسلام، تربیت.

## مقدمه

آسیب‌های ناشی از آن بیش از گذشته برای ما دارای اهمیت گردد. با جست‌وجو و مطالعه‌ای که در زمینه پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با معضل تربیتی تبرج انجام پذیرفت، دریافتیم که مطالعات نسبتاً خوبی در این زمینه انجام شده است. اما بیشتر این مطالعات به صورت ضمنی و یا اجمالی و بیشتر در ضمن تفسیر آیات قرآن و یا در خلال مطالب دیگر به این موضوع پرداخته‌اند و کمتر در قالب تربیتی به این موضوع پرداخته شده است؛ و این رسالتی است که مطالعه پیش‌رو درصدد است تا حد ممکن به آن بپردازد. بعضی از تحقیقاتی که به‌نوعی با موضوع مورد بحث ما هماهنگ هستند، به قرار زیرند:

مقاله «بررسی تطبیقی دو مؤلفه جاهلیت اولی، تبرج و خشونت علیه بانوان، با جاهلیت جدید از نظر قرآن» (صالحی ارمکی و همکاران، ۱۴۰۰)، بیان می‌دارد که گناهان اخلاقی مانند (تبرج) در جاهلیت جدید بر طبق تغییرات فرهنگی، اجتماعی و نظرات مادی‌گرایانه، جای جدیدی را یافته است و مانند جاهلیت اولی، همچنان پابرجاست.

مقاله «بررسی راه کارهای درمان هیستریک از منظر قرآن و روان‌شناسی» (واعظی و همکاران، ۱۴۰۰)، به این نتیجه می‌رسد که تشکیل خانواده و انجام عبادت‌های مذهبی مانند نماز و روزه و... می‌تواند در کاهش تبرج مثرثمر باشد.

مقاله «بررسی مفهوم و حدود تبرج زنان در تفسیر قرآن کریم» (روخی و همکاران، ۱۳۹۳)، بیان می‌دارند که محدوده تبرج زنان گسترده‌تر از بروز زینت و تبرج در پوشش ظاهری بوده و شاخصه‌های دیگری همچون تبرج در رفتار، محتوای گفتار و... را شامل می‌گردد. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که معضل اجتماعی تبرج از نگاه قرآن و روایات چیست و مدرسه و نظام تربیتی جهت هدایت و کنترل آن چه نقشی دارد؟ بدین‌منظور ابتدا به ارائه تعاریفی از تبرج از نگاه قرآن و روایات اسلامی پرداخته شده و در ادامه بررسی و تحلیل نقش نهادهای تربیتی جهت پیش‌گیری و درمان این معضل اجتماعی (تبرج) بیان می‌گردد.

با توجه به مباحث مذکور و نیز افزایش روزافزون تبرج و خودنمایی در میان جوانان و حتی افراد بزرگسال و متأسفانه در مواردی سالخورده ضرورت تحقیق و پژوهش بیشتر در این حوزه، بیش از پیش احساس می‌شود، به‌ویژه در زمینه تأثیرات منفی و مخرب تبرج و خودنمایی بر خانواده و اجتماع و آموزش و مدرسه و رابطه زوجین و افزایش فساد و فحشاء، تحقیقات بیشتری لازم است.

براساس آیات قرآن، بشر بر سرشت پاک و عقیق آفریده شده است؛ اما برخی از مواقع به‌خاطر کوتاهی و یا زیاده‌روی، نفس حیوانی‌اش بر نفس روحانی‌اش پیشی می‌گیرد و فساد و رذیلت را در او می‌پروراند. موضوع حجاب یا به‌عبارت صحیح‌تر، پوشش، از مصادیق مهم و ضروری فرهنگ اسلام به‌شمار می‌آید و به‌عنوان یک ضرورت مهم، ادله و دلایل فراوان نقلی و عقلی جهت رعایت آن مطرح شده است. امروزه در اکثر جوامعی که اسلامی خوانده می‌شوند، حفظ پوشش و حجاب از اوجبات مسائل دینی و اجتماعی به‌شمار می‌آید (شکوری و دارا، ۱۳۹۰). یکی از معضلات تربیتی که در قرآن کریم بیان شده، معضلی با عنوان تبرج است که قرآن کریم در آیاتی به این معضل اشاره کرده است. تبرج و خودآرایی ازجمله موضوعاتی است که علاوه بر قرآن کریم در دیگر علوم ازجمله روان‌شناسی نوین نیز تحت عناوینی همچون هیستریک یا خودنمایی و خودآرایی مطرح شده است که اهمیت این مقوله را می‌رساند. انسان به‌صورت غریزی به آراستگی تمایل و گرایش داشته و علاقه دارد در معرض توجه انسان‌ها باشد. این آراستگی و تمایل هنگامی که به افراط درآید به خودنمایی و تبرج مبدل می‌گردد. اصلی‌ترین شاخصه کسانی که تبرج در آنان وجود دارد، میل فراوان به خودنمایی و جلب نگاه و نظر دیگران است که برای دستیابی به این هدف، به امور غیرعادی مانند، پوشیدن البسه عجیب و غریب و پرزرق و برق و پرجاذبه، آرایش‌های زننده و غلیظ و نامیزان و ژست‌های عجیب و مخصوص و نمایشی می‌پردازند. در این موارد، شخص رغبت بالایی به خودنمایی دارد (واعظی و همکاران، ۱۴۰۰). تبرج و خودنمایی افسارگسیخته که محصول دنیای مدرن و جهان مجازی زمانه ماست، بسیار قدرت‌مندتر از تبرج جاهلیت پیش از اسلام است و آسیب‌ها و چالش‌های فراوانی را پیش‌روی تمامی جوامع، بخصوص جوامع اسلامی قرار داده است؛ که اگر فکری به‌حال این مسائل و مشکلات نشود، بی‌شک جامعه در مسیرهایی که مقصد آن تباهی و ویرانی است، خواهد افتاد.

بنابراین با بررسی انجام‌گرفته در این باره می‌توان دریافت که قرآن به‌عنوان اولین کتاب تربیتی اسلام، موارد تربیتی فراوانی همچون مفهوم تبرج را مطرح ساخته که هنوز هم انسان‌ها با آن سروکار دارند و چه‌بسا با رشد سریع مدرنیته و مدل‌گرایی در دنیای امروز، معضل تبرج و

## ۱. تبرج

تبرج در اصطلاح واژگانی، یعنی اظهار محاسن یا بیرون رفتن از محل زندگی است که لازمه آن ظاهر و هویدا کردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۵). در اصطلاح، به ظاهر کردن و در معرض قرار دادن شهوات‌انگیز نیکویی‌ها و جمال زنان در مقابل مردان غریبه، تعریف می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۵۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۹۴) که احتمال دارد در کردار، سخن، رفتارها یا هر کار دیگری رخ دهد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۴۳). تبرج مصدر باب تفاعل از ریشه «ب ر ج» است. *ابن فارس* جهت تعریف ریشه «ب ر ج» قائل بر دو اصل معنایی است: اولی بروز، ظهور و آشکاری و دومی پنهانگی و اختفا (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۳۸). فیومی برج را جایگاه و مکان نشستن کبوتر می‌داند و منظور از آن را جایی بلندی می‌داند که کبوتر در آنجا می‌نشیند و پنهان می‌گردد (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲). این تعریف درحقیقت جمع بین این دو اصل معنایی است که *ابن فارس* به آن اشاره کرده است. تبرج از ریشه برج واژه‌ای است قرآنی، که مترادف با خودنمایی و خودآرایی و آشکار کردن حسن و جمال ظاهری است؛ بنابراین به عمارت‌های بزرگ و ساختمان‌های بلند، به‌خاطر آشکار بودن، برج می‌گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۳۸). درحقیقت به آشکار کردن جاذبه‌هایی که خانم‌ها بایستی از چشم نامحرمان پنهان نگه دارند و برای محارم قانونی خود در خلوت‌هایشان به کار ببرند، تبرج می‌گویند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۴۳). *تبرجت المرأت*: یعنی اینکه زنان، جمال و زینت‌های خویش در برابر نامحرمان به‌نمایش بگذارند (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲). برخی خودنمایی و خودآرایی را نیز به آن افزوده‌اند و بیان کرده‌اند که تبرج یعنی اینکه زن زینت و جمال خود را برای نامحرم آشکار سازد که این عمل سرزنش شده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۱۳). وقتی که زن، زیبایی‌های گریبان و چهره را به‌نمایش عمومی بگذارد، گفته می‌شود که او مرتکب تبرج گشته است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۱۴). درحقیقت تبرج این است که زن جمال خویش را برای جذب چشم‌ها و دل‌ها و به‌وجود آوردن زمینه‌های شهوت نامحرمان آشکار سازد.

### ۱-۱. مرزشناسی تبرج قرآنی با آراستگی

این موضوع را بایستی به این نحو بیان کنیم که آیا اصولاً میان تبرجی که در قرآن مطرح شده، با آراستگی و موارد مشابه آن تمایز و تفاوتی مطرح است؟

## ۱-۲. تمایز تبرج و آراستگی

آراستگی و زیبایی ظاهری از صفاتی هستند که ریشه در ذات باری تعالی دارند. خداوند رحمان خود زیباست و دوست‌دار زیبایی است. در علوم و متون مذهبی ما نیز، به کوشش جهت کسب زیبایی و جمال درونی و بیرونی سفارش اکید شده و قرآن نیز از افراد باایمان درخواست کرده که از جمال ظاهری و بیرونی غفلت نوزند. در محل عبادت و به‌وقت طاعات و عبادات به‌ویژه، سفارش به آراستگی و زینت ظاهری شده است: ای بنی آدم! زینت خویش را به‌وقت رفتن به خانه خدا (مسجد) به‌همراه داشته باشید و از نعمات الهی بهره‌جوید، اما اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد. در اینجا مراد از اسراف پرهیز از افراط در آراستگی ظاهری است. پیامبر اکرم ص به‌عنوان شاخص‌ترین نمونه و اسوه برای همه آدمیان در تمامی‌ها زمان‌ها، علاوه بر زینت و جمال درونی، بر زیبایی بیرونی و ظاهری هم تأکید داشتند. بنا بر روایات و سیره، هر چیزی که در آن زمان، نشان‌دهنده و مصداقی از زینت و زیبایی ظاهری برای مردان بود، رسول اکرم ص آن را رعایت می‌کردند. به‌عنوان مثال، آراستگی ایشان در پوشش و لباس ظاهری، آراستگی و اصلاح موی سر و محاسن و نگاه به‌خویش در آینه یا آب شفاف، قبل از ترک منزل، استفاده از عطر و خضاب و شانه و سرمه و روغن و انگشتر از مظاهر زیبایی ظاهری پیامبر بوده است. بنابراین طبق این موارد، آراستگی ظاهر به‌هیچ‌عنوان تبرج محسوب نمی‌گردد. آراستگی ظاهری با خودنمایی‌هایی مانند عشوهرگری در راه‌رفتن، پوشیدن لباس‌های نیمه‌باز با رنگ‌های جلف که مناسب اماکن عمومی نیستند، متفاوت است. آراستگی، شیک‌پوشی، پوشیدن لباس مناسب و پاکیزه و زیبا، استعمال به‌اندازه عطر، آراستگی متعادل چهره است و هرگاه این تعادل در آراستگی به‌حالت افراط و تفریط مبدل شود، معضل‌آفرین است.

### ۱-۳. تبرج در قرآن و روایات اسلامی

برای شناختن برخی از شاخصه‌های تبرج در قرآن، به بعضی از آیاتی که آشکارا به توضیح و تفسیر این مفهوم پرداخته‌اند، اشاره می‌کنیم. قرآن کریم در دو آیه بی‌پرده تبرج زنان و حکم آن را بیان کرده است. در آیه‌ای می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳)؛ و در خانه‌هایتان قرار گیرید و همانند خودآرایی دوران جاهلیت نخستین، با زیورها خودنمایی نکنید.

در آیه «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۶۰)؛ و بازنشستگان از زنان که امید به ازدواج ندارند، هیچ گناهی بر آنان نیست که لباس‌های رسمی خود را فرو نهند، درحالی که با زیور خودآرایی نکنند و خویشتن‌داری آنان برایشان بهتر است. قرآن کریم در آیه شریفه «وَلَا تَبْرَجُنَّ تَبْرَجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳) نهی آشکار آورده است و حکم به حرمت و ممنوعیت تبرج صادر کرده است. هرچند که مخاطبان غایی در این آیه، زنان پیامبر هستند؛ اما به‌خاطر استفاده این کلمه و نهی ضمنی از آن در آیه ۶۰ سوره «نور»، جامعه هدف، همه زنان مسلمان اند (بستانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۴۸۳). همان‌گونه که می‌دانیم، ضرورت پوشیدگی بانوان در مقابل نامحرمان مورد تأکید فتوای فقیهان اسلامی است (احزاب: ۵۹). بنابراین با عنایت به این آیات، بزرگان و فقهای شریعت، حکم به وجوب و لزوم وجود پوشش و حجاب را صادر کرده‌اند (حکیم، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۵۹). بر همین اساس حکم به حرمت و ممنوعیت تبرج صادر گشته و علت آن، ضرورت پوشش و حجاب براساس آیات قرآنی است. در اسلام برای عدم حجاب زنان مسلمان، از عنوان تبرج استفاده شده است. مطالب و عناوینی که در ادبیات رایج زمان ما از آن به بدحجابی تعبیر می‌شود، در قرآن و روایات اسلامی از نام و مفهوم تبرج برای این معنا و موضوع یاد شده است. با عنایت به کاربردهای قرآنی آن، بدین‌صورت تبیین گشته است که تبرج، یعنی خود را آراستن و آراسته کردن است؛ که از آیات گوناگون حجاب استفاده شده است، مانند... «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُنُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...» (نور: ۳۱)، بیرون آمدن زن از منزل خویش (بخارایی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۱ و ۱۹۷). در *غریب القرآن*، متعلق به قرن دوم هجری قمری و متعلق به *زیدبن علی‌الحسین*، در مقام بیان واژگان مندرج در آیه ۳۳ سوره «احزاب» آمده است: «التبرج اظهار الزينه و المحاسن و ابرازها» (زیدبن علی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۷). چنان‌که از *مقاتل‌بن سلیمان مروی خراسانی*، مفسر معروف اهل سنت در قرن دوم، وفات یافته سال ۱۵۰ هجری (ابن‌العماد الحنبلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۷) آمده است: «التبرج أنها تلقي الخمار على رأسها ولا تسد فيواری قلاعدها و قرطها و عنقها و يبدو ذلك كله منها و ذلك التبرج» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۹۷). تبرج بدین‌گونه است که زن

#### ۱-۴. مصادیق تبرج در قرآن و اسلام

در قرآن کریم، خودنمایی زنان منع شده است و به مصادیقی از آن که می‌توان آنها را از نمونه‌های تبرج به حساب آورد، اشاره شده است؛ از جمله:

– سخن گفتن تحریک‌آمیز (احزاب: ۳۳).

- نمایان ساختن زیورهایی که ظاهر نیستند.

- کوبیدن پای بر زمین هنگام راه رفتن به قصد جلب توجه (نور: ۳۱).

همچنین در احادیث و روایات نیز به مصداق‌های تبرج اشاره شده و بر نهی از آنها تأکید شده است؛ از جمله پوشیدن لباس‌های بدن‌نما و مشبه کردن خویش به مردان، استفاده بیش از حد از عطر و بوی خوش و جز اینها که باعث جلب توجه مردان می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۲). در قرآن کریم تبرج از ویژگی‌های زنان دوره جاهلی دانسته شده است (احزاب: ۳۳) که با آرایش و پوشیدن لباس‌های فاخر و زینتی در اماکن و محیط‌های عمومی ظاهر شده‌اند و خویش را در معرض دید نامحرمان می‌گذارند. قرآن کریم تا ابد کتاب هدایت و تربیت انسان است؛ و این کتاب وقتی از تبرج و آسیب‌های آن سخن به میان می‌آورد، همه اعصار و انسان‌ها در زمان و مکان‌های مختلف را مخاطب خویش قرار داده است. بنا بر آیات و احادیث، فقها تبرج را حرام شمرده‌اند؛ بنابراین به‌موجب این حکم صریح، لازم می‌آید که مریبان تربیتی در مدارس، کودکان را در قالب تربیت دینی و تحصیلی و حتی تربیت اجتماعی با این معضل اجتماعی و معایب و آسیب‌ها و فسادهای آن آشنا سازند و راه‌کارهایی که در اسلام و قرآن جهت مقابله و پیش‌گیری و حتی درمان این معضل مطرح شده است را به‌کار گیرند، تا نهال روح و تربیت کودکان، به‌ویژه دختران و بانوان ما از آسیب‌های این معضل در دوران جاهلیت مدرن مصون بمانند.

## ۲. تبرج در دنیای امروز

ما در این زمان در دورانی به‌سر می‌بریم که از آن تحت‌عناوینی همچون دوران نوین یا مدرن یاد می‌شود؛ که مدرنیته محصول کلی این دوران است. مدگرایی و هم‌رنگی با جماعت دهکده جهانی از ویژگی‌های دیگر این دوران است؛ به‌نحوی که اگر کسی در گوشه‌ای از این کره خاکی بخواهد لباس مخصوص و سنتی نیاکان و اجداد خویش را بر تن خویش بپوشاند، از سوی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و حکومتی، همچون مدارس و دانشگاه‌ها و سایر ارگان‌ها طرد می‌شود؛ به‌سان پوشاندن لباس فرم مخصوص هر آموزشگاهی بر تن دانش‌آموزان خود. بنابراین مدرنیته به دوره‌ای تاریخی اطلاق می‌گردد که سده پانزدهم تا بیستم میلادی را پشت سر گذاشت و جنبش‌ها و انقلابات مذهبی و سیاسی و اجتماعی را از

سر گذراند و بی‌شک در آینده هم پیش‌روی خویش خواهد داشت. با گسترش تفکر خودمحوری و فردگرایی و افزایش آزادی‌های فردی در دوران مدرن، معضل تبرج و خودنمایی رشد و افزای در میان انسان‌ها، مخصوصاً نسل جوان داشته است. رشد مدلینگ، مدگرایی، صنعت تبلیغات، حضور زنان بر سر تیر مجلات و کالاهای تجاری جهت فروش بیشتر، افزایش و رشد تجارت پوشاک و لوازم آرایشی و استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و اینترنت جهت تبلیغات سریع و پر بازده و... همگی موجب رشد روزافزون و سریع تبرج در میان انسان‌ها شده است (جهانبگلو، ۱۳۸۴، ص ۷۲). همچنین پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی که *سلمان فارسی* مخاطب آن بود، در رابطه با برخی از ویژگی‌های جاهلیت در دوران حال و مدرن که تبرج نیز از شاخصه‌های اصلی این جاهلیت جدید است، فرمودند: ای سلمان در آن روز کارهای زشت در میان انسان‌ها به‌صورت اعمال شایسته جلوه‌گر می‌شوند؛ انسان‌های خیانت‌کار، عزیز می‌شوند و افراد امین، ذلیل می‌شوند. ای سلمان در آن دوران، مردها به مردها بسنده می‌کنند و زن‌ها به زن‌ها اکتفا می‌کنند. مردها خویشان را به‌سان زنان درمی‌آورند و زنان نیز خود را به شکل مردها درمی‌آورند. در آن زمان، پرده عصمت و حیا دریده می‌شود. کارهای حرام انجام می‌شود و معصیت‌های الهی رواج می‌یابد و دروغ‌گویی علنی می‌گردد (مجلسی، ۱۹۶۵، ج ۷۴، ص ۲۷۳).

بنابراین تبرج در دوران نوین به مراتب از تبرج جاهلی شدیدتر و خطرناک‌تر است؛ چراکه امروزه با ابزار علم و دانش و رسانه و تبلیغات سنگین از تبرج حمایت می‌شود و آن را با آزادی‌های فردی و شخصی و جنبش‌های فمینیستی گره می‌زنند و آن را امری مسلم و پیش‌پاافتاده که در دوران پسامدرن موضوع آن بایستی حل می‌شود، تلقی می‌کنند. اگر در زمان جاهلیت قبل از اسلام زن‌ها روسری‌های خویش را به‌نحوی قرار می‌دادند که گردن و گوش و گوشواره آنان نمایان شود؛ در این زمان نیز عده‌ای با ادعای فرهنگ و تمدن، نه‌تنها با حجاب و چادر و روسری میانه‌ای ندارند؛ بلکه با افتخار تمام به برهنگی خویش افتخار می‌ورزند و مبلغ این فرهنگ (برهنگی) هستند. آری اگر چشمان خویش را با نور بصیرت بیناسازیم؛ هنوز هم می‌توانیم ام‌الفتنه‌ها و ام‌الشیاطینی را ببینیم که نمایندگان ابولهب‌ها و ابوجهل‌های روزگار ما هستند (آجرلویی و نظری‌منظم، ۱۳۹۶).

استوار بود؛ اما جامعه هیچ‌گاه، حاضر به قبول آن نشد (شکوری و دارا، ۱۳۹۰). اگر حجاب را یک نوع رفتار بدانیم؛ این رفتار به‌مانند رفتارهای دیگر، تحت تأثیر قوانین خاصی هستند. بر طبق نظریه‌های مطرح‌شده در علوم مانند جامعه‌شناختی و روان‌شناسی، انجام یک رفتار، تحت تأثیر عوامل مختلفی است. یکی از عوامل مهم و مؤثر بر انجام یک عمل و رفتار، اطلاعات و آگاهی‌های شخص از آن رفتار است. درحقیقت، میزان رشد شناختی شخص، عمل و چگونگی رفتار او را مشخص می‌کند. اطلاعات و آگاهی‌های شخص نسبت به اشیاء، پدیده‌ها و مفاهیم، در طول فرایند جامعه‌پذیری ایجاد می‌گردد (زین‌آبادی، ۱۳۸۶). جامعه‌پذیری مشخصاً به‌وسیلهٔ پنج نهاد مهم خانواده، مدرسه، دولت، اقتصاد و مذهب صورت می‌گیرد. هریک از این نهادها کارکردها و وظایف مختص به خویش را دارند و دردی از دردهای اجتماع را مرتفع می‌سازند. پوشش و حجاب یک آموزه و فرمان الهی است که منطبق بر آیات، روایات و احکام دینی در روند جامعه‌پذیری مذهبی انسان انجام می‌پذیرد. براساس این فرایند، شخص با مفاهیم و معانی این معیارها آشنا شده و آنها را در مسائل و مشکلات زندگی روزمره خویش به‌کار می‌برد. در پژوهش مینی، با عنوان آموزش مذهبی و بحران تحصیلات، بیان شد که عقاید و باورهای دینی بچه‌ها، بیشتر از اینکه شناختی باشد، ارزشی و احساسی است و از سال‌ها قبل در خانواده شکل گرفته است؛ درحالی‌که آموزش‌های عینی مذهبی که در مدرسه به کودکان ارائه می‌گردد، مشکلات خاصی را برای آنها ایجاد می‌کند. این محقق ادعا دارد که آموزش‌های مذهبی مدارس در تضاد با ارزش‌ها و معتقدات دینی نوجوانان است و به‌همین دلیل مشکلاتی را برای آنان در این بستر فراهم می‌آورد. مدرسه در کنار خانواده از مهم‌ترین نهادهایی است که نقش ارزنده‌ای را در یادگیری افراد، مخصوصاً کودکان و نوجوانان به‌عهده دارد. مدرسه نخستین جایی است که به‌موازات خانواده، کودکان نوعی از اقتدار و قدرت را احساس می‌کنند؛ اما قدرتی رسمی و با برنامه، که از پیش طراحی و سازماندهی شده و کودکان تحت آن ناگزیر به یادگیری و انجام کارهای خاصی در طول شبانه‌روز هستند.

آشناسازی افراد با مقوله و مفهوم حجاب در مدارس، از سه راه

صورت می‌گیرد:

الف) به‌وسیلهٔ کتب درسی و برنامه‌های مذهبی؛

۲-۱. **مصادیق تبرج در مدارس و دیگر محیط‌های آموزشی**  
پس از آنکه با مفهوم تبرج از منظر قرآن و روایات آشنا شدیم؛ اینک لازم می‌آید که با مصادیق تبرج در مکان‌های تربیتی نیز آشنا شویم؛ چراکه هدف اصلی ما پس از معرفی و تحلیل مفهوم تبرج از دیدگاه اسلام و قرآن، تحلیل و شناسایی نقش مدرسه و دیگر اماکن آموزشی در هدایت و مبارزه با این معضل اجتماعی است. این مصادیق به این شرح هستند.

- پوشیدن لباس‌های نامناسب محیط آموزشی توسط پرسنل و کادر آموزشی و محصلان؛

- استعمال بیش اندازهٔ عطر در این اماکن توسط معلمان و...؛

- عدم پایبندی برخی از محصلان به پوشیدن لباس و حجاب مناسب حال مدرسه؛

- نمایش فیلم‌ها و کارتن‌های آموزشی که به‌نحوی از نظر پوشش و لباس و ظاهر با فرهنگ اسلامی ما در تضاد است و این عمل در روح و روان دانش‌آموزان مخصوصاً در سنین کم، تداخل ایجاد می‌کند؛  
- به‌کار بردن حالات و رفتاری‌هایی توسط معلمان که دون شخصیت آنان است؛ همچون خندیدن با صدای خیلی بلند و شوخی‌های نامناسب با همکاران و دانش‌آموزان؛

- استفاده از تصاویر نامناسب حال دانش‌آموزان در تابلو مدارس و تابلو کلاس و حتی در مواردی در کتاب‌های کمک درسی و غیردرسی و مجلات مدرسه و...؛

- پوشش نامناسب برخی از اولیاء دانش‌آموزان و مراجعان و ارباب رجوع که برای انجام برخی امور به مدرسه مراجعه می‌کنند (روحی برندق، ۱۳۹۳).

همهٔ این موارد گوشه‌هایی از مصادیق تبرج در مدارس و محیط‌های آموزشی هستند که لازم است جهت مقابله با آنان، اقدامات تربیتی مناسب با تکیه بر فرهنگ غنی قرآنی و دینی خویش اتخاذ کرد.

۲-۲. **نقش مدارس و آموزش و پرورش در کنترل و مبارزه با تبرج**

در این مورد باید گفت که فرهنگ حجاب و پوشش در کشور ما یک ضرورت اسلامی است. هرچند در ایامی از تاریخ، از دید حکومت به‌عنوان یک عامل ضد پیشرفت، به حساب می‌آمد و تصمیم و سیاست حاکمان وقت به اشاعهٔ فرهنگ بیگانه و سکولار و برهنگی

(ب) به‌وسیله ارتباطات و تعاملات مربی با مربی؛

(ج) با استفاده از جوّ مدرسه، سازمان‌ها و سایر گروه‌ها در مدرسه. بر همین منوال آموزش‌های مذهبی که در فضای مدرسه صورت می‌پذیرد، نقشی بی‌بدیل در تقویت روحیه مذهبی کودکان و نوجوانان دارد. این آموزش‌ها در ادامه آموزش نهادهای دیگر، بخصوص خانواده، دوستان، همسالان، مساجد و رسانه‌های همگانی است. بنابراین دین و آموزش‌های مذهبی از خانه و خانواده شروع می‌شود و در مدرسه حالت رسمی به‌خود می‌گیرد و در فرد ثبات پیدا می‌کند. لذا معلمان و مسئولان تربیتی که می‌خواهند در خصوص آموزش‌های مذهبی، از جمله رعایت حجاب و پوشش و دوری از تبرج، فعالیت کنند، باید از روان‌شناسی کودک و حالات روحی و عاطفی آنان و حتی روحیات و اعتقادات مذهبی خانواده‌های دانش‌آموزان اطلاع کافی و بایسته داشته باشند و خود نیز در زمینه معارف و علوم مذهبی تبحر و دانش لازم را داشته باشند. قطعاً اگر آموزش فرهنگ حجاب و اهمیت آن به‌درستی در خانواده آغاز گردد و در ادامه در مدارس به‌صورت صحیح راه خویش را ببیماید، حجاب در دانش‌آموزان به شکل شاکله‌ای استوار و نیرومند درخواهد آمد و تبرج و خودنمایی جای خود را با عفاف و پاکدامنی عوض می‌کند. مسئولان تربیتی باید در زمینه ترویج حجاب و عفاف جنبه احتیاط را رعایت کنند و از افراط و تفریط و بیان احساسات و عواطف شخصی خود در این زمینه پرهیز کنند.

### نتیجه‌گیری

امروزه رشد و گسترش تبرج در جامعه تبعات و آسیب‌های فراوانی را به‌همراه داشته است. بسیاری از افرادی که مرتکب تبرج می‌شوند، شاید از تبعات و آسیب‌هایی که این اقدام آنان برای خود و جامعه به‌همراه دارد اطلاع کامل و چندانی نداشته باشند و یا آنکه این معضل بزرگ را مسئله‌ای شخصی و انفرادی تلقی کنند که به دیگران ارتباطی ندارد. متأسفانه گاهی افراط‌گرایی و مسامحه‌کاری در این زمینه مشکل‌آفرین است و ما را از فعالیت‌های ارشادی و تربیتی در این راه بازمی‌دارد. بسیار شاهدهیم که در برخی از مدارس مسئولان مدارس آنچنان در زمینه رعایت حجاب و پوشش دانش‌آموزان خود افراط و زیاده‌روی می‌کنند که این دانش‌آموزان از روی لجبازی به تبرج و خودنمایی روی می‌آورند؛ بی‌آنکه متوجه

فلسفه و دلیل عمل خویش باشند و در مواقعی عکس این قضیه اتفاق خواهد افتاد؛ به این نحو که مریبان و مسئولان مدارس بی‌توجه و بی‌اهمیت به این موضوع مهم می‌شوند و رعایت حجاب صحیح و دوری از تبرج را در وهله اول امری خانوادگی و در وهله بعد امری شخصی می‌دانند که نیازی به دخالت دیگران در این مورد نیست. ما در جامعه‌ای اسلامی زندگی می‌کنیم و بی‌شک قوانین زندگی در جامعه اسلامی با قوانین سایر جوامع در مواردی متفاوت است. بنابراین در زمینه فرهنگ‌سازی حجاب و مبارزه با تبرج نیز مدارس ما باید با نسخه‌های قرآنی و اسلامی راه علاج این معضل اجتماعی را بیابند و با پرهیز از افراط و تفریط و یافتن راه و روشی معتدل و رعایت حفظ شأن و کرامت انسانی در این مسیر گام بردارند. مصادیق تبرج شامل مواردی چون پوشش‌های نامناسب و جلب توجه‌کننده، راه‌رفتن با عشوهرگری، صحبت‌های نامناسب و لحن خاص و تحریک‌کننده، استفاده غلیظ و افراطی از عطر و لوازم آرایشی و هرگونه عملی که موجب تحریک و جلب توجه دیگران و جنس مخالف شود را شامل می‌گردد. هرچند که بیشتر تبرج را به زنان نسبت داده‌اند؛ اما این معضل اجتماعی مردان را نیز در دام خویش نیز گرفتار کرده است. تبرج طبق سفارش قرآن و سایر روایات اسلامی حرام شمرده شده است؛ حتی زنانی که متبرج‌اند، نمی‌توانند در دادگاه شاهد باشند و شهادت دهند. بدحجابی و تبرج، آشکارا در متون قرآنی و اسلامی جز گناهان کبیره به‌حساب آمده است و این ادعا که امروزه برخی از افراد به اصطلاح روشنفکر در رابطه با اینکه حجاب و حکم تبرج پشتوانه و ادله شرعی ندارد، خیالی باطل است. بنابراین ضرورت دارد مدارس به‌عنوان اصلی‌ترین نهادهای تربیتی پس از خانواده، به‌درستی به این وظیفه خطیر بپردازند؛ چراکه کوتاهی از این امر می‌تواند به آسیب‌ها و مشکلات بزرگ‌تری منتهی شود.

### پیشنهادها

ضروری است دوره‌ها و کلاس‌هایی جهت آشنایی با معضل اجتماعی تبرج برای مریبان تربیتی و پرورشی مدارس برگزار شود؛ تا این مفهوم به‌درستی برای آنان تبیین گردد و بصیرت و بینش آنان در این زمینه رشد یابد و پس از آن، در راستای صیانت از حریم و جایگاه روحانی دانش‌آموزان خویش، این بینش خود را به‌کار گیرند.

بستانی، محمود، ۱۴۲۳ق، *التفسیر البنانی للقرآن الکریم*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، *رسائل حجابیه*، چ دوم، قم، دلیل ما. جهانیکلو، رامین، ۱۳۸۴، *سوج چهارم*، ترجمه منصور گودرزی، چ چهارم، تهران، نشر نی.

حکیم، سیدمحسن، ۱۴۰۴ق، *مستمسک العروة الوثقی*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم.

روحی، کاووس و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی مفهوم و حدود تبرج زنان در قرآن کریم»، *مطالعات تفسیری*، ش ۱۷، ص ۱۲۱-۱۳۶.

زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار مکتبه الحیاء.

زبدین علی، ۱۴۱۸ق، *غریب القرآن*، تحقیق محمدجواد حسینی جلالی، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

زین‌آبادی، مرتضی، ۱۳۸۶، «جامعه‌پذیری حجاب»، *سورای فرهنگی اجتماعی زنان*، ش ۳۸، ص ۱۸۱-۲۱۸.

سیوطی، جلال‌الدین، ۱۳۴۸، *شرح سنن النسائی*، بیروت، دارالفکر. —، ۱۴۰۴ق، *الدار المشور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

شکوری، ابوالفضل و جلیل دارا، ۱۳۹۰، «بررسی نقش مدارس اسلامی در تقویت فرهنگ حجاب از منظر سرمایه اجتماعی»، *تحقیقات فرهنگی*، ش ۳، ص ۷۱-۹۷.

صالحی ارمکی، علی و همکاران، ۱۴۰۰، «بررسی تطبیقی دو مؤلفه جاهلیت اولی، تبرج و خشونت علیه زن، با جاهلیت مدرن از منظر قرآن»، *مطالعات قرآنی*، ش ۴۵، ص ۴۰۹-۴۲۷.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، *الخلاص فی الاحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، قم، هجرت. فیومی، احمدبن محمد، بی‌تا، *مصباح المنیر*، بی‌جا، بی‌نا. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۲، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۹۶۵م، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء. مرداوی، علاالدین، ۱۴۰۶ق، *الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف علی مذهب الامام المبجل احمد بن حنبل*، تصحیح محمد حامد الفقی، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

نسائی، احمدبن شعیب، ۱۳۴۸، *سنن النسائی*، شرح جلال‌الدین سیوطی، بیروت، دارالفکر.

واعظی، محمود و همکاران، ۱۴۰۰، «بررسی راهکارهای درمان هیستریک از منظر قرآن و روانشناسی»، *تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث*، ش ۱، ص ۱۱-۲۶.

برگزاری جلسات مشورتی و تربیتی با والدین دانش‌آموزان و بررسی آسیب‌ها و معضلات تبرج و خودنمایی بر فرزندان آنها و لزوم آگاهی والدین از این معضل افسارگریخته.

دعوت از صاحب‌نظران متخصص در زمینه تبرج و کمک از ایشان جهت حضور در مدارس و آگاهی‌بخشی هرچه بیشتر دانش‌آموزان در این زمینه.

برگزاری کنگره‌ها و همایش‌های مرتبط با موضوع تبرج و دعوت متخصصان و صاحب‌نظران این عرصه برای تشکیل کارگروه‌های فرهنگی و تربیتی جهت مقابله و کنترل و شناسایی با فعالیت‌هایی که در فضاهای حقیقی مدرسه و جامعه و خانواده و سایر فضاها به‌ویژه فضای مجازی که موجب تبلیغ و گسترش تبرج می‌شود.

شناسایی و بهره‌گیری از محتوای کتب درسی معارف در زمینه معرفی و آسیب‌شناسی این معضل اجتماعی.

نمایش فیلم‌های داستانی و یا حتی مستند در این زمینه برای دانش‌آموزانی که مخاطب هجمه و هجوم تبرج هستند.

برگزاری مسابقات مختلف در این زمینه، در رابطه با معضل اجتماعی تبرج، مثل: کتاب‌خوانی، نقاشی، کاریکاتور، مقاله، شعر و داستان و ...

معرفی الگوهای حجاب و پاکدامنی از دل قرآن و احادیث و همچنین الگوها و اسوه‌های معاصر برای دانش‌آموزان.

## منابع

قرآن کریم، ۱۳۹۸، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب.

آجرلویی، محمود و مهدی نظری‌منظم، ۱۳۹۶، «جاهلیت مدرن از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و شناسایی و تحلیل نقش ناچا در مبارزه با آن»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، ش ۴۳، ص ۱۰۱-۱۲۹.

ابن‌اثیر، مبارک‌بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية فی غریب الحدیث*، قم، اسماعیلیان. ابن‌عماد الحنبلی، عبدالحی، بی‌تا، *تذکرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ابن‌حنبل، احمدبن محمد، بی‌تا، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر. ابن‌فارس، احمدبن زکریا، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، بی‌جا، مکتبه الاعلام الاسلامی. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن‌منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۰۸ق، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر. بخارایی، محمدبن محمد، ۱۳۶۵، *المستخلص یا جواهر القرآن*، به اهتمام مهدی درخشان، تهران، دانشگاه تهران.

برقی، احمدبن محمدبن خالد، ۱۳۷۱، *المحاسن*، تصحیح میرجلال‌الدین محدث ارموی، چ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.